



مطلب احمدیان

به دلیل حضور ضدانقلاب در منطقه، دژبانی منطقه کوه‌خان فعال و شبانه‌روزی بود. ما هم به‌عنوان گروه ضربت در همین دژبانی مستقر بودیم. ساعت چهار بعدازظهر، یک ماشین شخصی آمد جلوی دژبانی و خبر داد «یکی از ماشین‌های سپاه را در پیچ دارساوین زدند. دو تا جنازه هم توی ماشین هست.» این پیچ دارساوین شهدای زیادی از ما گرفت. ضدانقلاب در این پیچ، با توجه به موقعیت جغرافیایی خاص این منطقه، کمین‌های زیادی به ما زدند. شاید پانصد نفر - شاید هم بیشتر- در این منطقه به شهادت رسیدند. به دلیل حضور ضدانقلاب در منطقه، ده نفر از گروه ضربت در قالب لباس و ماشین شخصی به طرف دارساوین حرکت کردیم. قبل از دارساوین در پاسگاه ژاندارمری از ماشین پیاده شدیم. یک گروه از جناح بالا و

یک گروه از جناح پایین به سمت منطقه موردنظر رفتیم. زمانی که رسیدیم، هیچ نیروی ضدانقلابی در منطقه وجود نداشت و همه رفته بودند. تویوتای سپاه کنار جاده افتاده بودند. از بس به ماشین رگبار زده بودند، چیزی از آن نمانده و داغان شده بود. جنازه مهدی زین‌الدین و برادرش سر به سر کنار هم افتاده بود. یک ساک هم بین آنها بود. ساک را وارسی کردیم. خالی بود. ضدانقلاب محتویات ساک شامل کالک‌های مناطق عملیاتی و نقشه و عکس را با خود برده بود؛ همچنین سلاح‌ها را.

مهدی زین‌الدین و برادرش مجید، حدود ساعت دو تا سه بعدازظهر برای شرکت در جلسه با تویوتا از سردشت به طرف بانه حرکت می‌کنند. بعد از جلسه و هنگام بازگشت، سر اولین پیچ منطقه دارساوین، یک تیم از گروهک خباط - به فرماندهی طاهارحیمی - به ماشین آنها کمین می‌زنند. با اینکه آنها تیر می‌خورند و زخمی می‌شوند، اما ماشین به حرکت خود ادامه می‌دهد. کمی جلوتر، پشت یک خاکریز، تیم دوم مستقر بوده که طبق اطلاعات واصله، طاهارحیمی خودش هم پشت همین خاکریز حضور داشته است. این تیم، ماشین و سرنشینانش را به رگبار بسته و هر دو را کاملاً می‌کوبد. ماشین منحرف شده و داخل جدولی کنار جاده می‌افتد. ما ماشین را بکسل کردیم و بیکرها را به سردخانه کوه‌خان بردیم. با این اتفاق، عملیاتی که قرار بود در منطقه سردشت و دوپازا انجام شود، لغو گردید.